

Quranic Perspective on Procreation: Re-examining the Educational and Social Role in Family Stability

Ali Arabi Ayask¹, Majid Khalili²

Abstract

In light of contemporary demographic challenges and evolving perspectives on the family, a scientific and social imperative exists to re-examine the significance of procreation in strengthening the foundations of the family from the perspective of the Holy Quran. This article aims to elucidate the role of procreation in the stability and advancement of the family institution by exploring Quranic teachings on this matter. The central research question is: Despite the fundamental importance of the family in the social structure, how can children and procreation contribute to reinforcing this institution according to the luminous verses of the Holy Quran? The motivation for writing this article stems from concerns regarding declining population growth rates and the cooling of familial relationships in contemporary societies. The research methodology is descriptive-analytical, utilizing library-based resources. For theoretical elucidation, Quranic verses and authoritative texts have been analyzed. The findings indicate that procreation, as the natural outcome of marriage, plays a fundamental role in strengthening marital bonds, enhancing the honor and happiness of parents, and fostering the dynamism of the family institution. Furthermore, numerous Quranic verses emphasizing marriage, prohibiting the killing of offspring, highlighting the distinguished status of mothers and pregnant women, and enjoining the upbringing of righteous generations, all affirm the fundamental value of procreation. The consequences of neglecting this matter include the cooling of familial relationships, increased divorce rates, population aging, and the weakening of the nation's social and defense capabilities. This research emphasizes that procreation, in addition to its individual value, is considered a cultural and social necessity within the Quranic value system.

Keywords: Procreation, Family, Holy Quran, Upbringing, Social Stability, Emotional Cohesion.

1 . Assistant Professor, Department of Quran and Hadith Sciences, University of Quranic Sciences and Education, Qom, Iran

2 . M.A. Graduate in Quran and Hadith Sciences, University of Quranic Sciences and Education, Qom, Iran





الإنجاب في القرآن: إعادة قراءة الدور التربوي والاجتماعي في استقرار الأسرة

على عربى آيسك^١، مجيد خليلي^٢

ملخص

نظراً للتحديات السكانية الحديثة وتحول المواقف تجاه الأسرة، فإن إعادة قراءة مكانة الإنجاب في ترسيخ أسس الأسرة من منظور القرآن الكريم تمثل ضرورة علمية واجتماعية. تهدف هذه المقالة إلى تبیین دور الإنجاب في استقرار ورفق مؤسسة الأسرة، وذلك من خلال دراسة التعاليم القرآنية في هذا المجال. تتمثل المشكلة الرئيسية للبحث في كيفية أن يعزز الولد والإنجاب هذه المؤسسة من وجهة نظر الآيات القرآنية المضیئة، على الرغم من الأهمية الأساسية للأسرة في الهيكل الاجتماعي؟ ينبع الدافع لكتابة المقالة من القلق بشأن انخفاض معدل النمو السكاني وبرود العلاقات الأسرية في المجتمعات المعاصرة. طريقة البحث وصفية-تحليلية باستخدام المصادر المكتوبة، ولتوضيح النظرية، تم تحليل الآيات القرآنية والنصوص المعتمدة. تظهر النتائج أن الإنجاب، كثمرة طبيعية للزواج، يلعب دوراً أساسياً في ترسيخ علاقات الزوجين، وعز وسعادة الوالدين، وديناميكية مؤسسة الأسرة. كما أن الآيات القرآنية المتعددة التي تؤكد على الزواج، والنهي عن قتل الأولاد، والاهتمام بالمكانة المميزة للأمهات والنساء الحوامل، والتوصية بتربية جيل صالح، كلها تؤكد القيمة الأساسية للإنجاب. تشمل عواقب عدم الاهتمام بهذا الموضوع برود العلاقات الأسرية، وزيادة الطلاق، وشيخوخة السكان، وإضعاف القدرة الاجتماعية والدفاعية للبلاد. يؤكد هذا البحث أن الإنجاب، بالإضافة إلى قيمته الفردية، يعتبر ضرورة ثقافية واجتماعية في منظومة القيم في القرآن الكريم.

الكلمات المفتاحية: الإنجاب، الأسرة، القرآن الكريم، التربية، الاستقرار الاجتماعي، التماسك العاطفي.

١. أستاذ مساعد بقسم علوم القرآن والحديث، جامعة العلوم والمعارف القرآنية، قم، إيران.

٢. خريج ماجستير علوم القرآن والحديث، جامعة العلوم والمعارف القرآنية، قم، إيران.

فرزندآوری در قرآن: بازخوانی نقش تربیتی و اجتماعی در پایداری خانواده

علی عربی آیسک^۱، مجید خلیلی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۱۶؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۷/۰۹

چکیده

با توجه به چالش‌های نوین جمعیتی و تحول نگرش‌ها نسبت به خانواده، بازخوانی جایگاه فرزندآوری در تحکیم بنیان خانواده از منظر قرآن کریم ضرورتی علمی و اجتماعی دارد. این مقاله با هدف تبیین نقش فرزندآوری در پایداری و تعالی نهاد خانواده، به بررسی آموزه‌های قرآنی در این زمینه می‌پردازد. مسئله اصلی پژوهش آن است که با وجود اهمیت بنیادین خانواده در ساختار اجتماعی، فرزند و فرزندآوری چگونه می‌تواند موجب تقویت این نهاد از دیدگاه آیات نورانی قرآن کریم گردد؟ انگیزه نگارش مقاله از دغدغه کاهش نرخ رشد جمعیت و سردی روابط خانوادگی در جوامع معاصر نشأت گرفته است. روش تحقیق، توصیفی-تحلیلی با استفاده از منابع کتابخانه‌ای است و برای تبیین نظریه، به تحلیل آیات قرآنی و متون معتبر پرداخته شده است. یافته‌ها نشان می‌دهند که فرزندآوری به مثابه ثمره طبیعی ازدواج، در تحکیم روابط زوجین، عزت و سعادت والدین، و پویایی نهاد خانواده نقش اساسی ایفا می‌کند. همچنین، آیات متعدد قرآنی در تأکید بر نکاح، نهی از قتل اولاد، توجه به جایگاه ممتاز مادران و زنان باردار، و سفارش به تربیت نسل صالح، همگی بر ارزش بنیادی فرزندآوری صحه می‌گذارند. پیامدهای عدم توجه به این موضوع نیز شامل سردی روابط خانوادگی، افزایش طلاق، پیری جمعیت، و تضعیف توان اجتماعی و دفاعی کشور است. این پژوهش تأکید دارد که فرزندآوری، علاوه بر ارزش فردی، یک ضرورت فرهنگی و اجتماعی در منظومه ارزشی قرآن کریم به شمار می‌آید.

کلید واژه‌ها: فرزندآوری، خانواده، قرآن کریم، تربیت، پایداری اجتماعی، انسجام عاطفی.

۱- استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، قم، ایران.

۲- دانش آموخته کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، قم، ایران.



۱. مقدمه و بیان مسئله

فرزندآوری از دیرباز به عنوان یکی از ارکان بنیادین بقای نسل انسانی و رشد جوامع بشری در متون دینی، اجتماعی و روان‌شناختی مورد تأکید قرار گرفته است. در این میان، قرآن کریم با تمرکز بر ضرورت ازدواج و تشکیل خانواده، فرزندآوری را امری طبیعی، فطری و الهی معرفی می‌کند که در راستای تعالی انسانی و تحقق هدف خلقت معنا می‌یابد. بر اساس پیشینه پژوهش‌ها، زاد و ولد نه تنها عامل پایداری جمعیت و افزایش نشاط خانوادگی است، بلکه نقش مهمی در تقویت روابط زوجین، امنیت روانی فردی و استحکام ساختار اجتماعی ایفا می‌کند. با این حال، تحولات فرهنگی و اجتماعی اخیر، از جمله کاهش تمایل به فرزندآوری، افزایش ناباروری ارادی، و گرایش به سبک‌های زندگی فردگرایانه، بنیان خانواده را با چالش‌های نوینی مواجه ساخته‌اند که پیامدهایی همچون افت نرخ رشد جمعیت، تضعیف انسجام خانوادگی و کاهش پایداری اجتماعی را در پی داشته‌اند. ضرورت پژوهش حاضر از این دغدغه‌ها نشأت می‌گیرد. هدف اصلی آن بررسی جایگاه و نقش فرزندآوری در تحکیم بنیان خانواده بر اساس آموزه‌های قرآنی است. در این مسیر، تلاش می‌شود تا با واکاوی مفاهیم قرآنی مربوط به خانواده و فرزند، به تبیین ابعاد تربیتی، اخلاقی، روانی و اجتماعی فرزند در ساختار خانواده پرداخته شود. روش پژوهش، توصیفی-تحلیلی بوده و داده‌ها از طریق مطالعه کتابخانه‌ای و بررسی منابع علمی، شامل قرآن کریم، تفاسیر معتبر، آثار پژوهشی و مقالات علمی مرتبط گردآوری و تحلیل شده‌اند. ساختار تحقیق در چند محور اصلی طراحی شده است:

- بررسی مفاهیم بنیادین خانواده و فرزندآوری در قرآن
- تحلیل عوامل مؤثر در کاهش زاد و ولد
- تبیین پیامدهای فردی، روانی و اجتماعی کاهش فرزندآوری
- ارائه راهکارهای قرآنی در مواجهه با این پدیده

منطق حاکم بر فصول تحقیق مبتنی بر رویکردی تلفیقی از مبانی الهیاتی، تربیتی و اجتماعی است؛ تا با تقویت گفتمان خانواده‌محور در بستر ارزشی اسلام، پاسخی علمی و راهبردی به چالش‌های نوظهور در حوزه خانواده و جمعیت داده شود.

۲. پیشینه پژوهش

مطالعات متعددی در زمینه فرزندآوری و جایگاه آن در آموزه‌های دینی و اجتماعی صورت گرفته است که هریک از منظری خاص به این موضوع پرداخته‌اند. در ادامه، به برخی از مهم‌ترین پژوهش‌های مرتبط اشاره می‌شود:

۱. علی اکبری (شماره ۱۰۹، مجله ره‌توشه راهیان نور) در مقاله‌ای با عنوان «اهمیت و آثار فرزندآوری»، فرزند را «زینت زندگی» دانسته و با استناد به آیات قرآن کریم، به آثار متعدد وجود فرزند در خانواده از منظر اسلامی پرداخته است. وی تأکید دارد که فرزندآوری موجب برکت و نشاط در خانواده و جامعه می‌گردد.

۲. صادق‌یان کاخکی در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «کارکردهای/افزایش جمعیت از منظر قرآن کریم و روایات»، فرزند را عامل امید و نشاط خانواده معرفی کرده و بر جایگاه ویژه آن در قرآن تأکید نموده است.

۳. دهقان ده جمالی در مقاله‌ای با عنوان «فرزندآوری و افزایش جمعیت از دیدگاه قرآن کریم و اهل بیت (علیهم‌السلام)»، ضمن تحلیل دیدگاه‌های قرآنی و روایی، به آثار مثبت فرزند صالح در زندگی والدین اشاره کرده و آن را پاداشی الهی برای بندگان خاص دانسته است.

۴. باطنی نوش‌آبادی و نظریور در پژوهشی ارائه شده در نهمین کنگره ملی آسیب‌شناسی خانواده، با بررسی آموزه‌های عهد قدیم و تاریخ بنی اسرائیل، فرزندآوری را عامل اعتبار اجتماعی زن و شادی خانواده معرفی کرده‌اند. آنان همچنین به نقش معنوی فرزندان در تحولات اجتماعی و دینی اشاره کرده‌اند.

۵. در حوزه مطالعات بین‌المللی، پیمایش ملی نروژ (۲۰۰۹) با مشارکت بیش از ۵۱۸۵ نفر نشان داد که زنان فاقد فرزند، رضایت از زندگی و عزت نفس کمتری نسبت به زنان دارای فرزند دارند. این یافته‌ها بر اهمیت روان‌شناختی و اجتماعی فرزندآوری تأکید دارند.

مقاله حاضر با عنوان «تحلیل نقش فرزندآوری در تحکیم بنیان خانواده از منظر قرآن کریم با رویکرد اجتماعی و تربیتی»، در مقایسه با پژوهش‌های پیشین، دارای چند ویژگی متمایز است:

۱. جامعیت نظری و روشی: برخلاف مطالعاتی که صرفاً به آثار فردی یا دینی فرزندآوری





پرداخته‌اند، این مقاله با رویکردی تلفیقی از الهیات، تربیت و جامعه‌شناسی، به تحلیل چندلایه‌ای نقش فرزند در ساختار خانواده می‌پردازد.

۲. تمرکز بر تحکیم بنیان خانواده: وجه تمایز اصلی مقاله، بررسی مستقیم و هدفمند نقش فرزندآوری در تقویت و پایداری نهاد خانواده است، نه صرفاً آثار روانی یا اجتماعی آن.
۳. استناد دقیق به آیات قرآن کریم: مقاله حاضر با تحلیل محتوایی آیات مرتبط، به صورت نظام‌مند به استخراج مفاهیم قرآنی پرداخته و از تفسیرهای معتبر بهره گرفته است.
۴. پاسخ به چالش‌های معاصر: برخلاف پژوهش‌های پیشین که عمدتاً توصیفی بوده‌اند، این مقاله با توجه به دغدغه‌های نوین جمعیتی، کاهش نرخ زاد و ولد، و سردی روابط خانوادگی، رویکردی مسئله‌محور و راهبردی اتخاذ کرده است.

۱.۳ ادبیات نظری تحقیق

۳-۱. چارچوب مفهومی

۳-۱-۱. فرزندآوری

فرزندآوری یکی از ارکان اساسی در پویایی جمعیت و تداوم نسل انسانی محسوب می‌شود که در اغلب جوامع، در چارچوب ازدواج و خانواده صورت می‌گیرد. مطالعات جامعه‌شناختی نشان می‌دهند که فرزندآوری علاوه بر بُعد زیستی، نقش مهمی در شکل‌گیری هویت خانوادگی، تقویت تعاملات زوجین و پایداری عاطفی خانواده ایفا می‌کند (آیت‌اللهی و همکاران، ۱۳۹۸). در فرهنگ ایرانی، فرزند اغلب به عنوان نتیجه طبیعی ازدواج و از آرزوهای رایج زوجین شناخته می‌شود؛ با این حال، چنین نگرشی نیازمند بررسی در زمینه‌های فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی است، زیرا عواملی مانند وضعیت اقتصادی، تحصیلات و ارزش‌های فردی تأثیر زیادی بر تصمیم‌گیری زوجین دارند (علی‌اکبری، ۱۳۹۷).

در این پژوهش، فرزندآوری به معنای تولد فرزند از مسیر قانونی و مشروع آن یعنی ازدواج در نظر گرفته شده است و تمرکز آن بر نقش فرزند در تقویت بنیان خانواده و انتقال ارزش‌های فرهنگی و دینی است.

۲-۱-۳. خانواده

خانواده نخستین نهاد اجتماعی است که نقش بنیادی در شکل‌گیری شخصیت فرد، انتقال ارزش‌ها و اجتماعی‌شدن ایفا می‌کند. بر اساس دیدگاه جامعه‌شناسی، خانواده محیطی است برای پاسخ‌گویی به نیازهای اقتصادی، روانی و تربیتی انسان‌ها (بستان، ۱۳۸۵). در اغلب جوامع، خانواده با ازدواج زن و مرد آغاز می‌شود و با تولد فرزندان تکامل می‌یابد. تعاریف داخلی نیز خانواده را گروهی با روابط پایا و مشخص معرفی کرده‌اند که به تولیدمثل، تربیت فرزندان و برقراری ارتباط اجتماعی منجر می‌شود (ساروخانی، ۱۳۸۰). مطالعات تاریخی نیز نشان می‌دهند که خانواده نقش مهمی در سیاست‌گذاری‌های جمعیتی و حفظ سنت‌های فرهنگی ایفا کرده است (جمالی و همکاران، ۱۳۹۳).

۲-۳. مفهوم فرزندآوری در منابع دینی و علمی

در منابع دینی، فرزند به عنوان نعمتی الهی و عامل تکامل فردی معرفی شده است. قرآن کریم فرزند را در کنار مال، زینت زندگی دنیا می‌داند: «الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا؛ مال و فرزندان زیب و زینت حیات دنیا است» (کهف: ۴۶). در نهج البلاغه نیز، فرزند صالح استمرار اعمال نیک والدین و وسیله‌ای برای نجات آنان در آخرت معرفی شده است (نهج البلاغه، نامه ۳۱).

در مطالعات علمی، فرزندآوری با ارتقای سلامت روانی خانواده، افزایش رضایت زناشویی و تحکیم روابط بین فردی ارتباط دارد (علی‌اکبری، ۱۳۹۷). در پژوهشی تطبیقی، جایگاه فرزند در متون اسلامی و یهودی به عنوان نماد اعتبار اجتماعی زن و عامل تقویت انسجام خانوادگی مطرح شده است (باطنی نوش‌آبادی و نظریور، ۱۴۰۰).

همچنین نتایج تحقیقات داخلی نشان داده‌اند که نبود فرزند در خانواده می‌تواند با افت رضایت از زندگی و کاهش عزت نفس همراه باشد (آیت‌اللهی و همکاران، ۱۳۹۸).





۳-۳. جایگاه خانواده در اسلام

در آموزه‌های اسلامی، خانواده نهاد تربیتی، اخلاقی و معنوی تلقی می‌شود که هدف آن رشد انسان، انتقال ارزش‌های الهی و تأمین آرامش روانی است. قرآن کریم فلسفه ازدواج را ایجاد مودت، رحمت و سکونت میان زوجین معرفی می‌کند: «لَتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُم مَّوَدَّةً وَرَحْمَةً؛ که در بر او آرامش یافته و با هم انس گیرند و میان شما رأفت و مهربانی برقرار فرمود» (روم: ۲۱).

خانواده در اسلام نه تنها محل زندگی مشترک، بلکه زمینه‌ساز پرورش انسان‌های صالح و تحقق اهداف آفرینش است. فرزندآوری در این چارچوب، نقش مهمی در تقویت ساختار خانواده و استمرار نسل مؤمن دارد (دهقان ده جمالی، ۱۳۹۶؛ صادقیان کاخکی، ۱۳۹۴).

۳-۴. نقش فرزند در تحکیم بنیان خانواده

حضور فرزند موجب تحکیم پیوندهای عاطفی زوجین، افزایش مسئولیت‌پذیری و معنابخشی به زندگی خانوادگی می‌شود. از منظر دینی، فرزند صالح به عنوان منبع آرامش و دلگرمی معرفی شده است: «رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ؛ پروردگارا، به ما از همسران و فرزندانمان آن ده که مایه روشنی چشمان [ما] باشد». (فرقان: ۷۴).

یافته‌های روان‌شناختی نیز نشان داده‌اند که فرزندآوری نقش مهمی در افزایش تاب‌آوری والدین، تقویت انگیزه‌های درونی و ارتقای سلامت روانی خانواده دارد (آیت‌اللهی و همکاران، ۱۳۹۸). به همین جهت، تولد فرزند را می‌توان عاملی مؤثر در پایداری روابط زناشویی و انسجام خانوادگی دانست.

۴. نقش فرزندآوری در تحکیم خانواده از منظر قرآن کریم

فرزندان به عنوان ثمره طبیعی ازدواج، نقش بنیادینی در ایجاد مهر و محبت، نشاط، صمیمیت و استواری زندگی خانوادگی ایفا می‌کنند. آنان در دنیا و آخرت مایه خیر و برکت برای والدین بوده و زمینه‌ساز تداوم نسل و ساخت آینده‌ای روشن هستند. چنان که خداوند در قرآن

کریم می‌فرماید: «قَالُوا أَتُعْجِبِينَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ رَحِمْتُ اللَّهَ وَبَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ؛ گفتند: «آیا از کار خدا تعجب می‌کنی؟ رحمت خدا و برکات او بر شما خاندان [رسالت] باد» (هود، ۷۳).

در ادامه، کارکردهای فرزندآوری در تحکیم نهاد خانواده با استناد به آیات قرآن کریم و روایات مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

۴-۱. فرزندان؛ زینت زندگی دنیوی و نماد عزت اجتماعی در آموزه‌های اسلامی

در آموزه‌های قرآن کریم، فرزندان به عنوان یکی از مظاهر زیبایی و شکوه زندگی دنیوی معرفی شده‌اند. آیه شریفه «الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا...» (کهف، ۴۶) به روشنی بیان می‌دارد که مال و فرزندان، زینت و آرایه‌های زندگی دنیوی‌اند؛ اموری که انسان‌ها به آن دل بسته‌اند و در ساختار اجتماعی و روانی آنان نقش مؤثری ایفا می‌کنند. این زینت‌ها، هرچند جذاب و گذرا، منبع بهجت، عاطفه، و قدرت برای افراد محسوب می‌شوند، اما در نهایت فانی و موقتی هستند (فضل الله، ۱۴۱۹، ج ۱۴، ص ۳۳۷).

از منظر اجتماعی، دارا بودن فرزندان در فرهنگ دینی نه تنها نشانه‌ای از تداوم نسل و بقای خانوادگی است، بلکه نماد قدرت اجتماعی و عزت فردی نیز تلقی می‌شود. چنان که در تحلیل جامعه‌شناختی خانواده اسلامی، فرزندآوری را یکی از مؤلفه‌های اصلی در تثبیت جایگاه اجتماعی والدین و تقویت پیوندهای نسلی معرفی می‌کنند (تراشیون، ۱۴۰۰). در این چارچوب، فرزندان نه تنها نقش عاطفی و روانی در خانواده دارند، بلکه در ساختار اجتماعی نیز به عنوان سرمایه انسانی و نماد عزت و اعتبار شناخته می‌شوند. این نگاه، برخاسته از منظومه‌ای است که در آن خانواده، فرزند، و جامعه در تعامل مستمر و هدفمند قرار دارند.

از دیدگاه تفسیری، مال و فرزندان زینت زندگی دنیوی را از طریق فراهم آوردن بهجت، انس، شهوت، عاطفه، حرکت، و زیبایی نمایان می‌سازند. مال عنصر قدرتمندی است که درهای سیاسی، اجتماعی، و اقتصادی را می‌گشاید و آزادی عمل فراهم می‌کند، در حالی که فرزندان قوت عددی و امتداد عاطفی-روحی را به ارمغان می‌آورند. والدین از طریق فرزندان، طفولیت خود را بازمی‌یابند و با دیدن موفقیت‌های آن‌ها، احساس فخر و رفعت می‌کنند. با این حال،





این زینت‌ها گذرا هستند و انسان در نهایت تنها باقی می‌ماند (فضل‌الله، ۱۴۱۹، ج ۱۴، ص ۳۳۸). در تفسیر دیگری، مال و فرزندان به عنوان دو رکن اصلی حیات دنیوی (نیروی اقتصادی و انسانی) توصیف شده‌اند که زودگذر و آسیب‌پذیرند. فرزندان، به‌ویژه پسران، منبع قدرت و عزت محسوب می‌شوند، اما ممکن است به دشمن تبدیل شوند. در مقابل، باقیات صالحات (ارزش‌های پایدار) نزد خداوند برتر و امیدبخش‌تر است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۲، ص ۴۴۵-۴۴۶). همچنین، زینت زندگی دنیوی بر دو نوع عام (مانند پروژه‌های عمومی مانند دانشگاه‌ها و کارخانه‌ها) و خاص (مانند خانه، فرزند موفق، و موقعیت اجتماعی) تقسیم می‌شود. زینت خاص، هرچند مجاز، شایسته فخر نیست؛ بلکه عظمت انسان با زینت عام (نفع عمومی پایدار) سنجیده می‌شود (مغنیه، ۱۴۲۴، ج ۵، ص ۱۳۲-۱۳۳).

۴-۲. نقش فرزند به‌عنوان پشتوانه اجتماعی و عاطفی خانواده

فرزندان در آموزه‌های اسلامی و مطالعات اجتماعی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین پشتوانه‌های اجتماعی و عاطفی خانواده معرفی شده‌اند که نقش کلیدی در استمرار حیات روانی، عاطفی و اجتماعی والدین ایفا می‌کنند. این نقش حمایتی، به‌ویژه در دوران سختی‌ها و بحران‌های زندگی، برجسته‌تر می‌شود و به‌عنوان یکی از کارکردهای بنیادین خانواده شناخته می‌شود. قرآن کریم فرزندان را نعمتی الهی و عاملی برای تقویت توان و اقتدار خانواده می‌داند. آیه شریفه «أَمَدُّكُمْ بِأَنْعَامٍ وَبَنِينَ؛ شما را به [دادن] دامها و پسران مدد کرد» (شعراء، ۱۳۳) به‌صراحت بیان می‌کند که خداوند با اعطای دام‌ها و فرزندان، به انسان‌ها امداد رسانده است. این امداد، که از ماده «امداد» به معنای اعطای نعمت‌های منظم و مستمر گرفته شده است، نشان‌دهنده نگاه مثبت قرآن به فرزندان به‌عنوان دارایی معنوی و اجتماعی والدین است. در آیه دیگری از سوره اسراء نیز آمده است: «وَأَمَدُّدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا» (اسراء، ۶)، که بر نقش اموال و فرزندان به‌عنوان دو رکن اصلی نیروی اقتصادی و انسانی تأکید دارد. این ترتیب (ابتدا اموال و سپس نیروی انسانی) نشان‌دهنده اهمیت فرزندان به‌عنوان حافظ و پرورش‌دهنده اموال است، نه برتری ارزشی اموال (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۵، ص ۲۹۷).

از منظر روایات اسلامی، فرزندان به عنوان منبعی برای سعادت و پشتیبانی والدین معرفی شده‌اند. امام سجّاد علیه السلام در حدیثی فرموده‌اند: «مِنْ سَعَادَةِ الرَّجُلِ أَنْ يَكُونَ لَهُ وَلَدٌ يَسْتَعِينُ بِهِمْ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۲)، که نشان دهنده سعادت انسان در داشتن فرزندی است که در دشواری‌های زندگی یاری‌گرا و باشند. این دیدگاه، فرزند را نه تنها موجودی وابسته، بلکه عنصری فعال با کارکردهای حمایتی، اخلاقی و روانی در ساختار خانواده اسلامی معرفی می‌کند. در جامعه معاصر نیز، نقش حمایتی فرزندان به طور فزاینده‌ای مورد توجه قرار گرفته است. برخلاف دیدگاه‌های سنتی که عمدتاً پسران را نیروی کمک‌کننده خانواده تلقی می‌کردند، امروزه دختران نیز نقش‌های فعالی در زمینه‌های عاطفی، اجتماعی، اقتصادی و مراقبتی ایفا می‌کنند (نظافت یزدی، ۱۳۸۹، ص ۱۲۰-۱۳۰). فرزندان، به ویژه در جوامع اسلامی، با تقویت پیوندهای خانوادگی و ایجاد حس همبستگی، به استحکام اجتماعی و عاطفی خانواده کمک می‌کنند. این نقش حمایتی نه تنها در سطح خانواده، بلکه در تقویت انسجام اجتماعی در سطح کلان نیز مؤثر است.

۴-۳. فرزندان؛ ابزار تربیت و آزمون اخلاقی در منظومه قرآنی و سیره نبوی

در آموزه‌های قرآن کریم، فرزندان نه تنها نعمتی الهی، بلکه وسیله‌ای برای آزمایش و سنجش انسان معرفی شده‌اند. آیه شریفه «وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَأَنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ» و بدانید که اموال و فرزندان شما [وسیله] آزمایش [شما] هستند، و خداست که نزد او پاداشی بزرگ است» (انفال، ۲۸) بیان می‌دارد که اموال و فرزندان، ابزار آزمونی الهی برای انسان هستند. منظور از «فتنه» در اینجا، آزمایش تربیتی است که نه برای کشف مجهولات، بلکه برای پرورش، تربیت و تعالی روح انسان طراحی شده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۷، ص ۱۳۸). این آزمایش، والدین را به سوی رشد فضائل اخلاقی و تحقق بندگی خداوند هدایت می‌کند و در صورت موفقیت، پاداش عظیمی نزد خداوند برایشان به همراه دارد (فضل الله، ۱۴۱۹، ج ۱۰، ص ۳۶۵).

از منظر تربیتی، فرزندآوری والدین را در موقعیتی قرار می‌دهد که باید به عنوان الگویی





رفتاری و اخلاقی برای فرزندان خود عمل کنند. این مسئولیت، ظرفیت‌های درونی والدین را فعال کرده و فضائی چون صبر، تواضع، گذشت و مسئولیت‌پذیری را در آن‌ها تقویت می‌کند (صفایی، ۱۴۰۴). فرزندان به عنوان امانتی الهی، وظیفه والدین را در تربیت نسل صالح و عمل به رضایت خداوند سنگین‌تر می‌کنند، که این خود آزمونی برای سنجش اخلاص و طاعت آن‌ها در برابر خدا است (فضل‌الله، ۱۴۱۹، ج ۱۰، ص ۳۶۵).

در سیره پیامبر صلی الله علیه و آله، نمونه‌های متعددی از تعامل محبت‌آمیز با کودکان مشاهده می‌شود که اهمیت تربیت عملی همراه با محبت را نشان می‌دهد. ایشان با کودکان بازی می‌کردند، آن‌ها را بر دوش خود می‌نشاندند و در هنگام نماز، به دلیل گریه کودک، قرائت را کوتاه می‌کردند تا مادر نگران نشود. این رفتارها نه تنها جلوه‌ای از مهرورزی، بلکه الگویی عملی برای تربیت فرزند در بستر محبت و احترام است. چنین سیره‌ای، فرزند را به عنوان فرصتی برای رشد اخلاقی والدین و بستری برای تربیت نسل صالح معرفی می‌کند (صفایی، ۱۴۰۴).

از دیدگاه تفسیری، اموال و فرزندان نه امتیازی برای طغیان و تکبر، بلکه امانتی در راستای مسئولیت و آزمونی برای طاعت الهی هستند. هدف این آزمایش، هدایت انسان به سوی عمل صالح و تربیت فرزندانی مؤمن است که در مسیر رضایت خداوند گام بردارند (فضل‌الله، ۱۴۱۹، ج ۱۰، ص ۳۶۵). محبت به فرزندان، اگرچه طبیعی است، گاه می‌تواند مانع عمل به حق و خیر شود. در روایتی از پی صلی الله علیه و آله نقل شده است: «الولد ثمرة القلب، و انه مجبنة مبخله محزنة»، به این معنا که فرزندان، مانند اموال، می‌توانند انسان را از حق‌گویی و خیرخواهی بازدارند، مگر اینکه با عمل صالح و ایمان مدیریت شوند (مغنیه، ۱۴۲۴، ج ۳، ص ۴۷۰). بنابراین، فرزندآوری در نگاه قرآنی و نبوی، فراتر از سطح زیستی، به عنوان فرصتی معنوی و تربیتی برای تعالی والدین و تربیت نسلی صالح برجسته می‌شود.

۴-۴. احساس ارزشمندی والدین؛ بازتاب روانی فرزندآوری

فرزندآوری، علاوه بر جنبه‌های زیستی و اجتماعی، تأثیرات عمیق روان‌شناختی بر والدین دارد که از منظر معارف اسلامی و مطالعات علمی قابل بررسی است. یکی از مهم‌ترین این

تأثیرات، تقویت حس ارزشمندی، معنا و هدفمندی در زندگی والدین است. والدینی که در فرآیند تولد و پرورش فرزند مشارکت دارند، با مشاهده رشد، شکوفایی و موفقیت‌های فرزندان‌شان، احساس رضایت درونی و درک عمیق‌تری از معنای زندگی را تجربه می‌کنند. این احساس، که در مسیر تربیت نسل آینده شکل می‌گیرد، با دستاوردهای علمی، اجتماعی یا هنری فرزندان تقویت می‌شود. این امر نه تنها ریشه در اصول فطری انسانی دارد، بلکه بر پایه وصیت الهی به احسان به والدین استوار است، که حتی افراد غیرمذهبی نیز به آن گرایش دارند، و کسانی که از آن غفلت کنند، شایسته نام انسان نیستند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۱، ص ۳۳۳).

قرآن کریم در آیه‌ای از سوره احقاف به مراحل رشد کودک و زحمات والدین، به ویژه مادر، اشاره کرده و می‌فرماید: «وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا... وَأَصْلَحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي...» و انسان را [نسبت] به پدر و مادرش به احسان سفارش کردیم... و فرزندانم را برایم شایسته گردان» (احقاف، ۱۵). این آیه ضمن تأکید بر نیکی به والدین، نشان می‌دهد که فرزند صالح نه تنها مایه افتخار است، بلکه عاملی برای انگیزه معنوی، دعا و شکرگزاری والدین محسوب می‌شود. فرزند صالح می‌تواند پیوند والدین با خداوند را تقویت کرده و به رشد معنوی آن‌ها کمک کند. تعبیر «وصينا الإنسان» بر فطری بودن این وصیت دلالت دارد، و «احسانا» به معنای نیکی‌های بزرگ و برجسته در برابر خدمات والدین است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۱، ص ۳۳۳). همچنین، تمرکز بر رنج‌های مادر (حمل و وضع با مشقت، و مدت حمل و فصال ۳۰ ماه) به دلیل محسوس‌تر بودن زحمات اوست، که در روایات اسلامی نیز بر اولویت احسان به مادر تأکید شده است. در حدیثی از پیغمبر ﷺ آمده است که مردی پرسید: به چه کسی نیکی کنم؟ فرمود: به مادرت. سپس: به مادرت. سپس: به مادرت. و در چهارمین بار: به پدرت. در روایت دیگری مردی که مادر پیرش را بر دوش گرفته و طواف می‌کرد، پرسید آیا حقش را ادا کرده‌ام؟ پیامبر ﷺ فرمود: نه حتی یک نفس او را جبران نکرده‌ای (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۱، ص ۳۳۴). این تأکیدات نشان‌دهنده اهمیت پیوند خانوادگی در قرآن است که واحدی اساسی برای استحکام جامعه محسوب می‌شود، و متلاشی شدن آن در جوامع صنعتی منجر به نابسامانی‌های



اجتماعی مانند طرد سالمندان می‌گردد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۱، ص ۳۳۵).

از سوی دیگر، این آیه احسان را نه به معنای طاعت مطلق، بلکه به عنوان رفتاری از موضع استقلال و قدرت می‌داند که از احساس قدردانی نسبت به جهد والدین، به‌ویژه مادر در حمل، وضع و رضاع، ناشی می‌شود (مدرسی، ۱۴۱۹، ج ۱۳، ص ۱۵۰). دعای «أَوْزَعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ... وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَصْلِحَ لِي فِي ذُرِّيَّتِي» در سن بلوغ اشد (تقریباً ۴۰ سالگی، زمانی که عقل کامل می‌شود و تجربیات انباشته می‌گردد) بیانگر شکر نعمت، عمل صالح رضایت‌بخش الهی، و اصلاح ذریه است، که صلاح فرزندان تداوم نسل صالح، حفظ مکارم حضاری و صدقه جاریه برای والدین محسوب می‌شود (مدرسی، ۱۴۱۹، ج ۱۳، ص ۱۵۳؛ فضل‌الله، ۱۴۱۹، ج ۲۱، ص ۲۵). این دعا با توبه از گناهان و تسلیم کامل به خدا همراه است، که در میانسالی فرصتی برای انقلاب ذاتی و پاکسازی قلب فراهم می‌کند (مدرسی، ۱۴۱۹، ج ۱۳، ص ۱۵۴؛ فضل‌الله، ۱۴۱۹، ج ۲۱، ص ۲۵).

همچنین، در روایتی از ابی‌ولاد حنّاط نقل شده است که از امام صادق علیه السلام درباره آیه «وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا» پرسیدم و ایشان فرمودند: «معاشرت و هم‌زیستی نیکو با آنان» (انصاریان، ۱۳۹۸). آیات دیگری نظیر بقره (۸۳)، نساء (۳۶)، انعام (۱۵۱) و اسراء (۲۳) نیز بر احسان و احترام به والدین تأکید دارند که جایگاه والدین را در نظام تربیتی قرآن برجسته می‌سازد.

مطالعات روان‌شناختی نیز این موضوع را تأیید می‌کنند. تحقیقات نشان می‌دهند که احساس ارزشمندی والدین با مشاهده رشد و موفقیت فرزندان افزایش می‌یابد و نقش مهمی در ارتقای سلامت روان آن‌ها ایفا می‌کند (صادقی‌آهویی و حاجی‌موسایی، ۱۴۰۳). همچنین، احساس ارزشمندی و شایستگی والدین از نگاه فرزندان، تأثیر قابل‌توجهی بر توانایی‌های روانی و انگیزشی فرزندان دارد و سلامت روان والدین در موفقیت‌های شغلی و تحصیلی فرزندان مؤثر است (صادقی‌آهویی و حاجی‌موسایی، ۱۴۰۳). مطالعه دیگری نشان می‌دهد که احساس ارزشمندی والدین به‌طور مستقیم بر اعتماد به نفس و مهارت‌های اجتماعی فرزندان اثر می‌گذارد. والدینی که خود را ارزشمند می‌دانند، بهتر می‌توانند این حس را به فرزندان منتقل کنند، که این امر به موفقیت‌های تحصیلی و شغلی فرزندان کمک می‌کند (جانسون و براون،

۲۰۲۰). علاوه بر این، والدینی که از احساس ارزشمندی بالایی برخوردارند، معمولاً محیطی مثبت و حمایت‌گر برای فرزندان فراهم می‌کنند که به‌طور غیرمستقیم بر رشد و توسعه آن‌ها اثرگذار است (براون و هریس، ۲۰۱۷).

۴-۵. فرزندآوری و سلامت جسمی مادر

فرزندآوری افزون بر جنبه‌های زیستی و اجتماعی، آثار مثبت قابل توجهی بر سلامت جسمی و روانی مادر دارد. مطالعات پزشکی نشان داده‌اند که بارداری می‌تواند نقش محافظتی در برابر برخی بیماری‌ها ایفا کند؛ از جمله کاهش خطر ابتلا به سرطان تخمدان و پستان، که در پژوهشی به آن اشاره شده است (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۹، ص ۱۸۱). همچنین، تحقیقات جدید بیان می‌کند که پدر و مادر شدن در سنین مناسب، با کاهش خطر بیماری‌های قلبی و برخی سرطان‌ها همراه است (نامجو، ۱۳۹۸، ص ۴۶).

از منظر دینی نیز، بارداری و شیردهی نه تنها فرآیندهایی طبیعی بلکه موهبت‌هایی الهی هستند که در خدمت سلامت مادر و نوزاد قرار دارند. قرآن کریم در آیه‌ای از سوره بقره می‌فرماید: «وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ؛ و مادران [باید] فرزندان خود را دو سال تمام شیر دهند» (بقره: ۲۳۳). توصیه به تغذیه نوزاد با شیر مادر آن هم به مدت دو سال کامل، افزون بر جنبه‌های تربیتی و عاطفی، از نظر پزشکی نیز مفید است؛ زیرا تغذیه با شیر مادر موجب تقویت سیستم ایمنی نوزاد و کاهش ابتلا به بیماری‌های عفونی، آلرژی‌ها، دیابت نوع ۲ و برخی اختلالات روانی می‌شود.

در منابع فقهی نیز به آثار شیردهی در سلامت مادر و کودک اشاره شده است. شیردهی نه تنها موجب تقویت پیوند عاطفی میان مادر و کودک می‌شود، بلکه با تنظیم متابولیسم بدن مادر، کاهش خطر افسردگی پس از زایمان، و کمک به بازگشت وزن به حالت طبیعی همراه است (حسینی طهرانی، ۱۳۸۵، ص ۴۱). از منظر روان‌شناختی نیز، مادرانی که نیازهای جسمی و روانی‌شان در دوران بارداری و پس از آن تأمین می‌شود، احساس مطلوب‌تری از زندگی داشته و می‌توانند فضای پراز آرامش، محبت و امنیت را در خانواده ایجاد کنند.





۴-۶. تأثیر تولد فرزند بر نشاط روانی خانواده در پرتو قرآن

تولد فرزند، شور و نشاطی تازه در فضای خانواده ایجاد می‌کند. چهره معصوم و خندان کودک، احساس شادی، سرور و امید را در والدین برمی‌انگیزد و غم و اندوه را از آنان دور می‌سازد. این تحول روانی، نه تنها در تجربه زیسته والدین قابل مشاهده است، بلکه در آموزه‌های دینی نیز مورد تأکید قرار گرفته است. قرآن کریم در توصیف واکنش همسر حضرت ابراهیم علیه السلام به بشارت فرزند می‌فرماید: «فَصَحَّكَتْ فَبَشَّرْنَاَهَا بِإِسْحَاقَ وَمِنْ وَرَاءِ إِسْحَاقَ يُعْقُوبُ»؛ و زن او ایستاده بود. خندید. پس وی را به اسحاق و از پی اسحاق به یعقوب مژده دادیم» (هود: ۷۱). این نشان از اهمیت شنیدن خبر تولد فرزند دارد که باعث شادی و سرور والدین گردید.

فرزندان همچون شکوفه‌هایی زیبا، فضای خانه را معطر و دل‌انگیز می‌سازند و روابط همسران را گرم‌تر و صمیمی‌تر می‌کنند. پژوهش‌ها نیز نشان داده‌اند که تولد فرزند اول، احساس شادی، آرامش و رضایت را در زندگی زن‌شویی افزایش می‌دهد (موسوی، ۱۴۰۲، ص ۳۵۵). افزون بر این، وجود فرزند نیازهای عاطفی والدین را تأمین کرده و از طریق بازی با کودک، آنان را به دوران کودکی خود بازمی‌گرداند و فشارهای روانی را کاهش می‌دهد (بستان، ۱۳۹۰، ص ۱۲۱). در منابع حدیثی نیز، نقش فرزند در ایجاد نشاط و آرامش روانی مورد توجه قرار گرفته است. پیامبر صلی الله علیه و آله در حدیثی می‌فرماید: «اطلبوا الولد، فإنه قرّة العين و فرحة القلب» (طبرسی، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۸۰، ح ۱۶۶۵)، که نشان‌دهنده جایگاه فرزند به عنوان مایه شادی چشم و نشاط قلب است.

در فرهنگ عامه نیز، ضرب‌المثل‌هایی چون «فرزند داشتن موجب زحمت و غصه است و نداشتن دوچندان» و «هرکس فرزند ندارد غم دارد» گویای نقش فرزند در ایجاد نشاط، امید و معنا در زندگی خانوادگی هستند. این باورهای مردمی، ریشه در تجربه‌های زیسته و آموزه‌های دینی دارند و با یافته‌های روان‌شناسی خانواده نیز هم‌راستا هستند.

۴-۷. روابط خانوادگی پایدار در پرتو فرزندآوری

فرزندان همچون حلقه‌هایی از زنجیر، موجب اتصال و پیوند میان اعضای خانواده اعم از

والدین، پدربزرگ، مادر بزرگ و بستگان سببی و نسبی هستند. حضور کودک در خانواده، گرمای عاطفی را به کانون زندگی بازمی گرداند و زن و شوهری که پیش تر فاقد فرزند بوده اند، با ورود فرزند به جمع شان، حیاتی نو یافته و حلقه ای تازه از محبت و انسجام در خانواده شکل می گیرد. این پیوند عاطفی، نه تنها در تجربه زیسته انسان ها قابل مشاهده است، بلکه در آموزه های قرآنی نیز مورد تأکید قرار گرفته است.

خداوند متعال در داستان حضرت زک^{علیه السلام}، فرزند را عاملی برای استمرار نسل، ارتقاء معنوی و استواری خانواده معرفی می نماید. آن حضرت در دعای خود چنین می فرماید: «وَإِنِّي خِفْتُ الْمَوَالِيَ مِنْ وَرَائِي... وَأَجْعَلُهُ رَبِّ رَضِيًّا؛ و من پس از خویشتن از بستگانم بیمناکم... و او را- ای پروردگار من- پسندیده گردان» (مریم: ۵-۶). این آیات نشان می دهد که دغدغه پیامبران نسبت به آینده نسل و ساختار خانواده، از انگیزه های اصلی درخواست فرزند بوده است. از منظر حدیثی نیز، پیامبرا^{صلی الله علیه و آله} زنا را پس از شرک، از بزرگ ترین گناهان دانسته اند؛ چرا که سبب فروپاشی خانواده، آسیب به نسل آینده، و تضعیف ساختار اجتماعی می شود (بهشتی، ۱۳۹۴، ص ۲۹۹). این نگاه، نشان دهنده اهمیت حفظ روابط خانوادگی پایدار و نقش فرزند در تقویت بنیان های اخلاقی و اجتماعی خانواده است.

بر اساس مطالعات علوم قرآن و حدیث، فرزندآوری نه تنها عامل استمرار نسل، بلکه بستری برای رشد عاطفی، اخلاقی و اجتماعی خانواده محسوب می شود و در شکل گیری روابط پایدار میان اعضای خانواده نقش کلیدی دارد.

۴-۸. نقش فرزندان در کاهش طلاق

یکی از عوامل مؤثر در پایداری روابط زناشویی و کاهش طلاق، حضور فرزندان در خانواده است. در تفسیر واژه «رحمة» در آیه ۲۱ سوره روم، برخی مفسران همچون مکارم شیرازی و همکاران، آن را ناظر به عواطفی دانسته اند که فرزندان در دل خانواده ایجاد می کنند؛ در حالی که «مودت» به محبت میان زوجین اشاره دارد (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۸۶، ج ۱۶، ص ۴۱۴). در تفسیر دیگری نیز «رحمة» به مهربانی نسبت به فرزندان تعبیر شده است.





(بهرام‌پور، ۱۳۹۰، ص ۴۰۶). این تفاسیر نشان می‌دهند که فرزندان، با ایجاد پیوندهای عاطفی، نقش مهمی در تقویت بنیان خانواده دارند.

در سوره طلاق نیز، خداوند متعال با توصیه به تعویق طلاق در صورت بارداری زن، بر اهمیت حفظ خانواده به خاطر فرزندان تأکید می‌ورزد: «وَأُولَٰئُ الْأَحْمَالِ أَجَلُهُنَّ أَنْ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ؛ و زنان آبستن مدّتشان این است که وضع حمل کنند (طلاق: ۴) «وَأْتِمِرُوا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوفٍ؛ و به شایستگی میان خود به مشورت پردازید» (طلاق، ۶).

این آیات، ضمن تأکید بر رعایت حقوق زن باردار و فرزندان، نشان‌دهنده تلاش برای حفظ ساختار خانواده در شرایط بحرانی هستند. توصیه به مشورت و رفتار نیکو نیز بیانگر راهکارهای اخلاقی برای کاهش تنش و جلوگیری از فروپاشی خانواده است.

از منظر اجتماعی، تجربه‌های زیسته نیز مؤید این معناست؛ زوج‌هایی- با داشتن فرزندان بالغ و نوه- به سبب اختلافات دیرین اما کنترل‌شده به خاطر فرزندان، تا زمان استقلال آنان از طلاق خودداری کرده‌اند. این رفتار، هرچند گاه با چالش‌های روانی همراه است، اما نشان‌دهنده نقش بازدارنده فرزندان در تصمیم‌گیری‌های بحرانی زناشویی است. زیرا والدین به آسیب‌های پیش و روی کودکان طلاق واقفند و به منظور حفظ امنیت و سلامت روانی فرزندانشان سعی دارند حتی الامکان اختلافات فی مابین را کنترل و طلاق را به تعویق اندازند. نتایج تحقیقات گویای آن است که طلاق والدین عامل خطری است که در بزرگسالی کودکان مشکلات متعددی ایجاد می‌کند؛ این مشکلات عبارتند از: دستاوردهای اقتصادی- اجتماعی پایین، سلامت روانی ضعیف، افزایش مشکلات زناشویی و احتمال طلاق در زندگی زناشویی آینده آنها (رجبی، ۱۳۹۱) همین امر دلیلی بر افزایش محسوس نرخ طلاق در سال‌های آغازین زندگی است که معمولاً به صورت توافقی انجام می‌شود و فراتر از آن تشدید گسترده پدیده طلاق عاطفی، متغیری است که به شدت از دگرگونی الگوی فرزندآوری، کاهش نرخ جمعیت و نرخ باروری متأثر شده‌اند. (قاسمی، ۱۳۹۹) زیرا در سال‌های ابتدایی زندگی، زوجین هنوز تصمیم به داشتن فرزند ندارند.

۴-۹. فرزندآوری و تقویت روح جمعی

فرزندآوری یکی از عوامل بنیادین در تحول سبک زندگی فردی به سوی جمع‌گرایی و دگرخواهی است. در فرهنگ فردگرای مدرن، فرزند گاه به عنوان مانعی در مسیر لذت‌طلبی و آزادی‌های فردی تلقی می‌شود؛ اما در منظومه فکری اسلام، فرزند نه تنها مانع رشد نیست، بلکه بستری برای تعالی اخلاقی، ایثار، و تقویت روحیه جمعی فراهم می‌سازد.

با تولد فرزند، والدین به تدریج خود را در محور دغدغه‌های خانوادگی می‌بینند و مسؤولیت‌پذیری جایگزین منیت‌های فردی می‌گردد. این تحول شخصیتی، نشانه‌ای از خودشکوفایی فرد در مسیر رشد اخلاقی و اجتماعی است؛ زیرا فرد از مدار خودمحوری خارج شده و در مسیر تربیت نسل صالح گام برمی‌دارد.

خداوند متعال در قرآن کریم خطاب به مؤمنان می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا...» ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خودتان و کسانتان را ... حفظ کنید (تحریم: ۶). تفسیر این آیه بیانگر آن است که مؤمنان افزون بر اصلاح خویش، باید از گمراهی اهل خانه جلوگیری کنند؛ زیرا نسبت به زن و فرزند مسؤول‌اند (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۸۶، ج ۲۴، ص ۲۹۹-۳۰۰). این مسؤولیت‌پذیری، خود نشانه‌ای از بلوغ اجتماعی و اخلاقی فرد در چارچوب خانواده است.

از منظر تربیتی نیز، فرزند نه تنها مانع عبادت و رشد معنوی نیست، بلکه زمینه‌ساز رشد والای والدین می‌گردد. تلاش شبانه‌روزی در تربیت نسل صالح، خود عبادتی عظیم است. چنان که رسول^ﷺ می‌فرماید: «أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ أَحْمَرُهَا»؛ برترین اعمال، دشوارترین آنهاست (زمخشری، بی‌تا، ص ۱۴۱؛ شیخ بهایی، ۱۳۸۲، ص ۴۵). این حدیث، نشان‌دهنده ارزش والای تربیت فرزند به عنوان عملی دشوار همراه با دردسرهای خاص خود اما پرفضیلت است.

۴-۱۰. فرزندآوری و تقویت روحیه عفت و پاکدامنی

ازدواج و تشکیل خانواده، نقطه آغاز تعهد اخلاقی و دینی برای زن و مرد است. داشتن





همسر، همچون عاملی بازدارنده از انحرافات اخلاقی و اجتماعی عمل می‌کند و حضور فرزندان در خانواده، مسؤولیت والدین را در زمینه تربیت، الگوسازی و رعایت اصول اخلاقی دوچندان می‌سازد. والدین برای هدایت فرزندان به مسیر عفاف، ابتدا خود را ملزم به رعایت عفت، حیا و کرامت انسانی می‌دانند؛ زیرا فرزند، آینه‌ای از رفتار والدین است. چنانکه امروزه یکی از عوامل مهم سردی روابط زناشویی و اختلاف وجدایی، عدم پابندی زن و شوهر به روابط زناشویی و گاهی داشتن روابط فرازناشویی است.

از منظر قرآنی، نمونه‌ای از تأثیر فرزند بر حفظ کرامت والدین را می‌توان در داستان تولد حضرت عیسی علیه السلام مشاهده کرد. خداوند متعال در آیه‌ای از سوره آل عمران می‌فرماید: «وَيَكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَكَهْلًا وَمِنَ الصَّالِحِينَ» و در گهواره [به اعجاز] و در میانسالی [به وحی] با مردم سخن می‌گوید و از شایستگان است» (آل عمران، ۴۶). این سخن گفتن حضرت عیسی علیه السلام در گهواره، نه تنها نشانه‌ای بر نبوت و پاکی ایشان بود، بلکه از مادر ایشان، حضرت مریم علیها السلام، رفع اتهام نمود و به نوعی با اعجاز الهی، عفت و طهارت او را اثبات کرد (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۶۳۹۰؛ باطنی نوش‌آبادی و نظریور، ۱۴۰۰). این واقعه، نشان‌دهنده نقش فرزند در حفظ شأن و کرامت والدین در برابر جامعه است.

از منظر تربیتی نیز، فرزندآوری والدین را به مسیر خودسازی اخلاقی سوق می‌دهد. آنان برای تربیت نسل صالح، ناگزیرند از رفتارهای ناپسند فاصله گرفته و الگوی عملی عفاف و پاکدامنی باشند. این فرآیند، نه تنها موجب رشد معنوی والدین می‌شود، بلکه به تقویت بنیان‌های اخلاقی جامعه نیز کمک می‌کند.

۴-۱۱. فرزندآوری و رشد عواطف پدر و مادری

احساس محبت و وابستگی که در پی ازدواج در دل زن و مرد شکل می‌گیرد، با تولد فرزند تعمیق یافته و تسری پیدا می‌کند. این تحول عاطفی، نه تنها در روابط زوجین، بلکه در ساختار کلی خانواده اثرگذار است. در تفسیر این آیه ی قرآن کریم که می‌فرماید: «وَمِنْ دُرَيْتِنَا أُمَّهُ مُسْلِمَةٌ لَكَ» و از نسل ما امتی فرمانبردار خویش پدید آرد؛ آمده است: این آیه دعای حضرت ابراهیم و

اسماعیل درباره ذریه و نسلشان و نشانه علاقه و محبت آن دو به فرزندانشان است. (انصاریان، ۱۳۹۸). همچنین آیه شریفه ۲۱ سوره روم با تعبیر «مَوَدَّةٌ وَرَحْمَةٌ» به این رابطه عاطفی اشاره دارد؛ «مَوَدَّةٌ» ناظر به محبت میان زوجین و «رحمت» ناظر به عواطفی است که فرزندان در دل خانواده ایجاد می‌کنند. صاحب تفسیر المیزان این مودت و حمت را عامل گسترش و تداوم نسل بشری داند و معتقد است: والدین با مشاهده ضعف و عجز فرزندان کوچکتر رحم می‌کنند و چون می‌بینند که طفل صغیرشان نمی‌تواند حوائج ضروری زندگی خود را تأمین کند، لذا آن محبت و مودت و اداشان می‌کند به اینکه در حفظ و حراست و تغذیه، لباس، منزل و تربیت او بکوشند و اگر این رحمت نبود نسل به کلی منقطع می‌شد و هرگز نوع بشر دوام نمی‌آورد. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۶، ص ۱۶۶).

فرزندان به طور ناخودآگاه موجب جان فشانی، ایثار و افزایش روحیه مسئولیت‌پذیری والدین می‌شوند. والدین، در مسیر تربیت و تأمین نیازهای فرزندان، گاه خواسته‌ها و نیازهای شخصی خود را فدای شادی و آسایش آنان می‌کنند. این رفتار، نشانه‌ای از رشد عاطفی، بلوغ روانی و تعالی اخلاقی والدین است؛ زیرا آنان از مدار خودمحوری خارج شده و در مسیر دگرخواهی گام برمی‌دارند.

در خانواده‌های پرجمعیت، روابط عاطفی نه تنها میان والدین و فرزندان، بلکه بین خواهران و برادران نیز شکوفا می‌شود. این تعاملات سبب گسترش هیجانات مثبت، ابراز عواطف، و ایجاد همبستگی بیشتر خانوادگی می‌گردد. چنین فضایی، بستری مناسب برای رشد اجتماعی، همدلی و انسجام درون خانوادگی فراهم می‌سازد.

از منظر روان‌شناختی، رشد عواطف پدر و مادری، یکی از شاخص‌های سلامت روانی و رضایت زناشویی محسوب می‌شود. فرزندآوری، با ایجاد معنا و هدف در زندگی مشترک، به تقویت پیوندهای عاطفی و کاهش تنش‌های زناشویی کمک می‌کند.

۱۲-۴. فرزندآوری و افزایش رزق و روزی

یکی از باورهای رایج در جوامع مدرن، تلقی فرزند به عنوان عاملی برای افزایش هزینه‌ها و





محدودیت‌های اقتصادی است که ریشه در نگرشی مادی‌گرایانه به زندگی خانوادگی دارد. در مقابل، آموزه‌های اسلامی، فرزند را نه تنها مانعی برای رزق، بلکه واسطه‌ای برای گشایش روزی الهی و برکت در زندگی معرفی می‌کنند.

قرآن کریم در آیه‌ای از سوره نحل می‌فرماید: «وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُم مِّنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَجَعَلَ لَكُم مِّنْ أَزْوَاجِكُمْ بَيْنَ وَحَفْدَةً وَرَزَقَكُم مِّنَ الطَّيِّبَاتِ...»؛ و خدا برای شما از خودتان همسرانی قرار داد، و از همسرانتان برای شما پسران و نوادگانی نهاد و از چیزهای پاکیزه به شما روزی بخشید (نحل، ۷۲). این آیه، همسران، فرزندان و نوادگان را به عنوان نعمت‌های الهی معرفی کرده و رزق پاکیزه را همراه با آن‌ها می‌داند. واژه «طبیبات» در این آیه، به همه رزق‌های مادی و معنوی اشاره دارد که زندگی را طعم خوشبختی می‌بخشد (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ج ۱۱، ص ۳۴۶). واژه «حفدة» به معنای اعوان و خدمتگزاران، به ویژه فرزندان و نوادگان، دلالت دارد که با سرعت در خدمت والدین هستند و نیازهای آن‌ها را برآورده می‌کنند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۲، ص ۲۹۷). این پیوند میان فرزندآوری و رزق، نشان‌دهنده نگاه توحیدی قرآن است که نعمت‌های الهی را در راستای تعاون و همبستگی اجتماعی می‌داند (فضل‌الله، ۱۴۱۹، ج ۱۳، ص ۲۶۲).

از منظر روایی، امام ع علیه السلام فرموده‌اند: «وَكَلَّمَا كَثُرَ الْعِيَالُ كَثُرَ الرِّزْقُ» (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۱۷، ج ۱۸، ص ۳۳۷)، به این معنا که افزایش تعداد نان‌خورها با افزایش رزق و برکت همراه است. این دیدگاه، برخلاف تصور مادی‌گرایانه، فرزندآوری را عاملی برای گشایش اقتصادی و معنوی معرفی می‌کند. همچنین، در تفسیر این آیه، تأکید شده است که فرزندان و نوادگان، علاوه بر امتداد وجودی والدین، بستری برای تعاون و مشارکت در جامعه فراهم می‌کنند که از طریق آن، سعادت دنیوی و اخروی انسان‌ها تأمین می‌شود (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۲، ص ۲۹۸). کفر به این نعمت‌ها، از طریق شرک و نسبت دادن آن‌ها به غیر خدا، به معنای ناسپاسی در برابر این مواهب الهی است (مغنیه، ۱۴۲۴، ج ۴، ص ۵۳۲).

از منظر فرهنگی و اجتماعی، خانواده‌های پرجمعیت در جوامع سنتی با روحیه تعاون، کار جمعی و حمایت متقابل شناخته می‌شوند که خود زمینه‌ساز افزایش منابع اقتصادی و کاهش

فشارهای مالی است. فرزندان در این ساختار، نه تنها مصرف کننده نیستند، بلکه در آینده به عنوان تولیدکنندگان و حامیان خانواده و جامعه عمل می کنند. این دیدگاه با یافته های جامعه شناسی همسو است که نشان می دهد خانواده های پرجمعیت می توانند از طریق همکاری های خانوادگی، به انسجام اقتصادی و اجتماعی دست یابند.

۱۳-۴. فرزند صالح به عنوان «باقیات صالحات»

در آموزه های اسلامی، فرزند صالح یکی از مصادیق روشن «باقیات صالحات» به شمار می آید؛ یعنی اعمال نیکی که پس از مرگ انسان نیز باقی مانده و موجب ثواب جاری می شود. خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید: «الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ أَمَلًا» مال و پسران زیور زندگی دنیایند، و نیکیهای ماندگار از نظر پاداش نزد پروردگارت بهتر و از نظر امید [نیز] بهتر است» (کهف: ۴۶). در این آیه، مال و فرزند به عنوان زینت های دنیوی معرفی شده اند؛ اما اگر در مسیر الهی قرار گیرند، به سرمایه ای برای آخرت تبدیل می شوند.

تربیت فرزند صالح، ثوابی جاری برای والدین خواهد داشت؛ چنان که در آیات قرآن، دعاها برای فرزندان برای آمرزش والدین آمده است: «رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ» پروردگارا، روزی که حساب برپا می شود، بر من و پدر و مادرم و بر مؤمنان ببخشای. (ابراهیم: ۴۱). «رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِمَنْ دَخَلَ بَيْتِي مُؤْمِنًا؛ پروردگارا، بر من و پدر و مادرم و هر مؤمنی که در سرایم درآید» (نوح: ۲۸) پروردگارا بر من و بر پدر و مادرم و هر کس که با ایمان به خانه من درآید ببخش. این دعاها، نشان دهنده پیوند معنوی میان نسل ها و استمرار آثار تربیتی والدین در زندگی اخروی است.

در تفسیر آیه «يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ؛ روزی که هیچ مال و فرزندی سود نمی دهد» (شعراء: ۸۸). مفسران تصریح کرده اند که تنها فرزند صالح و مالی که در راه خدا صرف شده، در آن روز سودمند خواهد بود (زین الدین رازی، ۱۳۸۰، ص ۴۲۵). این نگاه، معیار ارزش گذاری بر دارایی های دنیوی را بر اساس جهت گیری الهی آن ها تعیین می کند.

از منظر حدیثی نیز، امام عا علیه السلام در تفسیر آیه شریفه که می فرماید: «خَيْرُ الزَّادِ التَّقْوَى؛ در حقیقت، بهترین توشه، پرهیزگاری است» (بقره: ۱۹۷) فرزند صالح، بهترین زاد و توشه آخرت برای والدین به شمار می آید؛ زیرا هم با اعمال خود و هم با دعای خیرش، سبب آمرزش و رفعت





والدین می‌گردد (نظافت یزدی، ۱۳۸۹، ص ۳۳).

۵. فقدان فرزند و تک‌فرزندی؛ عامل تزلزل خانواده از منظر قرآنی و اجتماعی

در خانواده‌هایی که از نعمت فرزند محروم‌اند یا تنها یک فرزند دارند، پیامدهای روانی، اجتماعی و خانوادگی متعددی مشاهده می‌شود. این پیامدها نه تنها بر والدین، بلکه بر شخصیت و رشد فرزند نیز تأثیرگذارند و در بلندمدت می‌توانند بنیان خانواده را دچار تزلزل سازند.

۵-۱. نقش فرزند در تقویت انس زناشویی و کاهش احساس تنهایی

فرزندان در آموزه‌های اسلامی و مطالعات روان‌شناختی به‌عنوان عاملی کلیدی در تقویت انس و الفت زناشویی و کاهش احساس تنهایی در زندگی خانوادگی شناخته می‌شوند. نبود فرزند، به‌ویژه پس از گذشت سال‌ها از ازدواج، می‌تواند خلأ عاطفی ایجاد کرده و نشاط زندگی مشترک را کاهش دهد. خانه‌ای بدون صدای خنده و بازی کودک، به تدریج به فضایی سرد و بی‌روح تبدیل می‌شود. حتی در خانواده‌های تک‌فرزند، جدایی فرزند به دلیل تحصیل، اشتغال یا ازدواج، والدین را با احساس تنهایی و غم غربت مواجه می‌کند.

از منظر قرآنی، فرزندان به‌عنوان نعمتی الهی برای کاهش تنهایی و تقویت پیوندهای خانوادگی معرفی شده‌اند. دعای حضرت زکریا علیه السلام در سوره انبیاء، «رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ؛ پروردگارا، مرا تنها مگذار و تو بهترین ارث‌برندگان» (انبیاء، ۸۹)، نشان‌دهنده نیاز فطری انسان به داشتن فرزند برای رهایی از تنهایی و تداوم نسل است. این دعا، که در سنن پیری و با خشوع بیان شده، نه تنها بیانگر خواست شخصی برای فرزند، بلکه آرزوی تداوم رسالت و صلاح از طریق نسل است (فضل‌الله، ۱۴۱۹، ج ۱۵، ص ۲۶۱). همچنین، آیه «وَيُمَدِّدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ؛ و شما را به اموال و پسران، یاری کند» (نوح، ۱۲) فرزندان را به‌عنوان یاری الهی در کنار اموال معرفی می‌کند که به تقویت توان و انسجام خانواده کمک می‌کنند. این آیه، به‌ویژه در زمینه استغفار و بازگشت به خدا، بر نقش فرزندان در گشایش اقتصادی و انسانی تأکید دارد و نشان می‌دهد ایمان و استغفار نه تنها به سعادت اخروی، بلکه به بهبود زندگی دنیوی نیز منجر می‌شود (فضل‌الله، ۱۴۱۹، ج ۱۵، ص ۲۶۱).

از منظر روان‌شناختی، حضور فرزندان در خانواده، با ایجاد حس هدفمندی و مسئولیت

مشترک، به تقویت پیوند عاطفی میان همسران کمک می‌کند. فرزندان، با فراهم آوردن فضایی برای تعاملات عاطفی و همکاری والدین در تربیت، انس و الفت زناشویی را تقویت می‌کنند. این نقش به‌ویژه در جوامع اسلامی، که خانواده به‌عنوان هسته اصلی جامعه شناخته می‌شود، از اهمیت بسزایی برخوردار است. فقدان فرزند یا جدایی تک‌فرزند می‌تواند منجر به کاهش تعاملات عاطفی و ایجاد حس انزوا در والدین شود، که این امر بر کیفیت زندگی زناشویی تأثیر منفی می‌گذارد.

۵-۲. تأثیر فرزندآوری بر کاهش نرخ طلاق

نبود فرزند یکی از عوامل مؤثر در افزایش نرخ طلاق است. سردی روابط زناشویی، نبود انگیزه برای ادامه زندگی مشترک، و عدم وجود عامل بازدارنده‌ای چون فرزند، می‌تواند به فروپاشی خانواده منجر شود.

طبق آمار رسمی منتشرشده توسط خبرگزاری ایسنا، رابطه‌ای معکوس میان تعداد فرزندان و نرخ طلاق وجود دارد:

درصد طلاق	تعداد فرزند
۶۷٪	بدون فرزند
۲۲٪	یک فرزند
۹٪	دو فرزند
۳٪	سه فرزند و بیشتر

این آمار نشان می‌دهد که فرزندآوری، نقش مهمی در پایداری روابط زناشویی و کاهش احتمال طلاق دارد (https://www.isna.ir/news/1401031711844/%DB%B6%DB%B7). در تحقیق دیگری آمده است: به دنبال سقوط نرخ باروری به عنوان یکی از علل تضعیف ساختار روابط عاطفی در نهاد خانواده و بروز پدیده‌هایی مانند گسست روابط زوجینی و طلاق‌های عاطفی که در سالیان اخیر در کشور شاهد شیوع بیشتر آن هستیم، فراوانی آمارهای طلاق‌های قانونی و رسمی نیز افزایش محسوس پیدا کرده است. (قاسمی، ۱۳۹۹)

نتیجه‌گیری

بر اساس یافته‌های این پژوهش، می‌توان نتایج زیر را استنتاج کرد:

۱. قرآن کریم ازدواج را عملی مقدس و مبارک می‌داند که نه تنها به‌عنوان بستری برای





فرزندآوری و تداوم نسل اهمیت دارد، بلکه به پویایی اجتماعی و تحکیم ساختار خانواده کمک می‌کند. تأکید آیات قرآنی برانتخاب همسری با ویژگی‌های زیایی، نشان‌دهنده ارزش والای فرزندآوری در نظام ارزشی اسلام است.

۲. اسلام ضمن تأکید برتشکیل خانواده، فرزندآوری را عاملی برای تکامل خانواده و پیوند میان نسل‌ها قلمداد می‌کند. دعای انبیا برای داشتن فرزند صالح و آیات متعدد قرآن در نهی ازقتل فرزند (چه در مرحله جنینی و چه پس از تولد)، بر اهمیت حفظ و حراست از فرزندان و ترویج فرزندآوری دلالت دارد.

۳. حضور فرزند در خانواده، آثار مثبت متعددی در ابعاد مادی و معنوی به دنبال دارد که فراتر از سطح خانواده، بر جامعه و ساختارهای کلان اقتصادی و اجتماعی اثرگذار است. این آثار شامل تقویت احساس ارزشمندی، اعتماد به نفس، عاطفه، اخلاق‌مداری، ایثار، صبر، شکوفایی اقتصادی، گسترش روابط خویشاوندی، ایجاد نشاط و امید، و ارتقای سلامت جسمانی و روانی (به‌ویژه برای مادر) و رضایت از زندگی است.

۴. سیاست‌های کنترل مولید و کاهش نرخ باروری، تبعات منفی جبران‌ناپذیری بر خانواده و جامعه به همراه دارد، از جمله آسیب‌های روانی و اجتماعی برای زوج‌های بدون فرزند یا تک‌فرزند، فشارهای عاطفی بر والدین، و تضعیف انسجام اجتماعی در سطح ملی. شواهد نشان‌دهنده رابطه معنادار بین کاهش نرخ باروری و افزایش نرخ طلاق (عاطفی و قانونی) است. از این‌رو، اسلام طلاق را امری منفور دانسته و بر پرهیز از آن به منظور حفظ سلامت روانی فرزندان تأکید دارد.

این یافته‌ها بر ضرورت بازنگری در سیاست‌های جمعیتی و تقویت فرهنگ فرزندآوری در راستای ارزش‌های اسلامی و تحکیم بنیان خانواده تأکید می‌کنند.

منابع

- *قرآن کریم (ترجمه: فولادوند محمد مهدی. (۱۴۱۵ق). ترجمه قرآن (فولادوند - تهران: دار القرآن الکریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی)، چاپ اول.
۱. ابن ابی الحدید، عبد الحمید. (بی تا). شرح نهج البلاغه، قم: مکتبه آیت الله مرعشی نجفی.
۲. انصاریان، حسین. (۱۳۹۸). تفسیر حکیم، ویرایش: حمید احمدی جلفایی؛ سید علی غضنفری؛ محمد جواد صابریان، قم: دارالعرفان.
۳. آیت اللهی، زهرا و جمعی از نویسندگان. (۱۳۹۸). دانش خانواده و جمعیت، قم: دفتر نشر معارف.
۴. باطنی نوش آبادی، ریحانه، و نظریور، حامد. (۱۴۰۰). مقایسه اهمیت فرزندآوری در قرآن و عهدین، کنگره ملی آسیب شناسی خانواده و جشنواره خانواده پژوهی، تهران.
۵. بستان، حسین. (۱۳۹۰). جامعه شناسی خانواده با نگاهی به منابع اسلامی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۶. بهرام پور، ابوالفضل. (۱۳۹۰). تفسیر یک جلدی مبین، قم: نسیم حیات.
۷. بهشتی، احمد. (۱۳۶۱). خانواده در قرآن، قم: طریق القدس.
۸. جمالی، محمد، ذوالفقار طلب، مصطفی، و هاشمی، سید احمد. (۱۳۹۳). پیشینه تاریخی برنامه جهانی کنترل جمعیت، تاریخ پزشکی، ۶ (۲۰)، ۱۶۱-۱۹۱.
۹. حسینی طهرانی، سید محمد حسین. (۱۳۸۵). رساله نکاحیه؛ کاهش جمعیت ضربه ای سهمگین بر پیکر مسلمین، قم: انتشارات نور.
۱۰. خالق صفت، فاطمه. (۱۳۹۷). جایگاه زنان در قرآن و عهدین. قم: نشر هاجر.
۱۱. دهقان ده جمالی، حسن. (۱۳۹۶). فرزندآوری و افزایش جمعیت از دیدگاه قرآن کریم و اهل بیت. مطالعات بین رشته ای دانش راهبردی، ۷ (۲۹)، ۱۴۷-۱۷۰.
۱۲. رجبی، فاطمه (۱۳۹۱). طلاق و تأثیر آن بر فرزندان. رشد آموزش پیش دبستانی، ۴ (۱۰)، ۳۵-۳۶.
۱۳. زمخشری، محمود بن عمر. (بی تا). أساس البلاغه، قم: دارالکتب الاسلامیه.
۱۴. زین الدین رازی، محمد بن ابی بکر. (۱۳۸۰). پرسش و پاسخ های قرآنی (مصحح و



- مترجم: محمدرضا غیاثی کرمانی). قم: نورگستر.
۱۵. ساروخانی، باقر. (۱۳۷۶). *طلاق پژوهی در شناخت واقعیت و عوامل آن*، تهران: دانشگاه تهران.
۱۶. شیخ بهایی، (۱۳۸۲). *مفتاح الفلاح فی عمل الیوم و اللیلہ*، تهران: انتشارات فراهانی.
۱۷. صادقی آهویی، جواد؛ حاجی موسایی، مینا. (۱۴۰۳) بررسی ابعاد میزان ارزشمندی و سلامت روان والدین بر روی آینده شغلی فرزندان. سلامت روان در مدرسه ۲ (۲)، ۹۱-۹۶.
۱۸. صادقیان کاخکی، غلامرضا. (۱۳۹۴). *کارکردهای افزایش جمعیت از منظر قرآن کریم و روایات* (پایان نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم.
۱۹. طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۷۸). *المیزان فی تفسیر القرآن* (مترجم: محمدباقر موسوی). قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲۰. طباطبایی سید محمد حسین. (۱۴۱۷ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم.
۲۱. طبرسی، حسن بن فضل. (بی تا). *مکارم الاخلاق* (مترجم: ابراهیم میرباقری). قم: دارالکتب الاسلامیه.
۲۲. علی اکبری، راضیه. (۱۳۹۷). اهمیت و آثار فرزندآوری، ره‌توشه، ۱۰۹، بهار و تابستان ۲۰۵-۲۱۲.
۲۳. فضل الله، سید محمد حسین. (۱۴۱۹ق.ه). *تفسیر من وحی القرآن* (جلد ۲۱). بیروت: دار الملائک للطباعة و النشر.
۲۴. قاسمی، صالح. (۱۳۹۹). بازخوانی رابطه کاهش نرخ فرزندآوری با افزایش نرخ طلاق در ایران. ره توشه، ۱۲۴، ۷۹-۹۲.
۲۵. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). *الکافی* (ط - الإسلامية)، تهران: اسلامیه، چاپ: چهارم.
۲۶. مدرسی، سید محمد تقی. (۱۴۱۹ق.ه). *من هدی القرآن* (جلد ۱۳). تهران: دار محبی الحسین.
۲۷. مدرسی، محمدتقی. (۱۳۷۸). *تفسیر هدی/یت* (مترجم: پرویز آتابکی). مشهد: آستان قدس رضوی.
۲۸. مظاهری، حسین. (۱۳۹۱). *خلاق در خانواده*، قم: دفتر نشر معارف.

۲۹. مغنیه، محمد جواد. (۱۴۲۴ ق.). تفسیر الکاشف (جلد ۵). تهران: دارالکتب الإسلامية.
۳۰. مکارم شیرازی، ناصر و جمعی از نویسندگان، (۱۳۸۶). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۱. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴ ش.). تفسیر نمونه (جلد ۲۱). تهران: دارالکتب الإسلامية.
۳۲. موسوی، سیدحسین. (۱۴۰۰). مثبت ۳؛ واقعیت‌هایی پیرامون فرزندآوری. قم: نشر هیأت امروز.
۳۳. نامجو، بتول و همکاران، (۱۳۹۳). نگاهی نوبه سلامت باروری. تهران: شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده.
۳۴. نظافت یزدی، محمدجواد. (۱۳۸۹). مادرانه، تهران: انتشارات حدیث راه عشق.
۳۵. نهج البلاغه. (بی‌تا). ترجمه و شرح: دشتی، محمد. قم: نشر دارالهجره.

منابع انگلیسی

1. Johnson E. & Brown M. Parental self-worth and its impact on children's future success. Family Relations. 2020. <https://onlinelibrary.wiley.com/journal/15455300>
2. Brown T. & Harris P. The influence of parental mental health on child development. American Journal of Psychiatry. Retivieved from American Journal of psychiatry. 2017jhttpsill ajp. Psychiatryonline

منابع اینترنتی

۱. خبرگزاری ایسنا، <https://www.isna.ir>
۲. صفایی، زهره. (۱۴۰۴). فرزندآوری از منظر آموزه‌های اسلامی و قرآنی، خبرگزاری بسیج، <https://basijnews.ir/fa/news/9691027>
۳. تراشیون، محمد. (۱۴۰۰). ضرورت فرزندآوری در قرآن و روایات. سامانه آموزشی ایمانور، <https://imanoor.com>

